

# حافظ به روایت عباس کیارستمی

همایون صنعتی

۴۹۴

بعید نیست حافظ کیارستمی - منتشر شده توسط نشر فرزانه - نقطه عطفی در تاریخ ادب و زبان فارسی باشد. این رأی را به عنوان کسی که مختصر تجربه‌ای در زمینه نشر کتاب فارسی دارد می‌دهم. این واقعیت که در زمینه ادب و فرهنگ فارسی بی‌بضاعت و گدا هستم آشکار است. نیازی به یادآوری ندارد. از منظر نشر، حافظ کیارستمی روزن یا رخنه ایست که شاید بتوان از آنها امکانات بالقوه دریای پهناور ادب کلاسیک زبان فارسی را بالفعل کرد.

اغراق شاعرانه نیست اگر عرض شود دیوان حافظ دینه عظیم و درخشان از انبوه گرانبهارترین زینت و آلات ممکن است. صندوق صندوق تاج و نیمتاج و گردنبند و سینه ریز و بازوبند و النگو و گوشواره و زینت و آلات مرصع به خوش آب و رنگ‌ترین، کمیاب‌ترین، پرتألوترین انواع الماس، برلیان، زمرد، زبرجد، یاقوت، مروارید، لعل، عقیق و یشم.

زینت و آلاتی [بخوانید غزلهایی] که آنچنان با استادی و مهارت ساخته و پرداخته و مرصع شده که بیننده را مسحور و مجذوب و از خود بیخود می‌کند. بیننده چنان دامن خود را از دست می‌دهد که به صرافت تمرکز چشم و معطوف کردن دیده بر یک یک سنگ‌های قیمتی و احجار کریمه، که در هر کدام از آنها زینت و آلات به کار رفته و جای سازی شده، نمی‌افتد. کیارستمی - که نشان داده در برجسته نمودن زیبایی‌ها و درخشندگی‌های دیدنی‌های تاب و پنهان مانده از چشم استعداد فطری و تخصص دارد - معدودی از این گوهرها و سنگ‌های کمیاب قیمتی را از جای سازی‌هایشان در

آورده، آنها را نه به عنوان یکی از اجزاء مجموعه‌ای پر تالو [غزل] بلکه به عنوان دری یگانه، الماسی درخشان، زمردی ناب و یاقوتی دل‌انگیز در ویتربینی اختصاصی به نمایش گذاشته است. سنگهای قیمتی و احجار کریمه‌ای از این دست:

بهای باده چون لعل

چیست

جوهر عقل

✽

چیست

این سقف بلند

ساده‌ی

بسیار نقش

✽

عشق

دردانه است

من غواص و

دریا

می‌کده

✽

گنج زر

گر نبود

گنج قناعت

باقی است

✽

زیر این

طارم فیروزه

کسی

خوش نشست

✽

صعب روزی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



ساقی

چراغ می

به ره

آفتاب دار

ششصد و اندی برلیان و زمرد و یاقوت یکتا و بی مانند.

اما چرا نقطه عطف در ادب و فرهنگ زبان فارسی. آیا نمی توان در دیوانهای یک یک شعرا و سرایندگان فارسی زبان همینگونه گلچینی کرد؟ می گویند ادب فارسی نزدیک به بیست هزار دیوان شعر دارد که هنوز حتی یک پنجم آن چاپ و منتشر نشده است. البته بسیاری از آنچه در این دیوانها آمده به گونه ای کسالت آور تکراری است. اما حتی در دیوان شعرای مداح درباری نیز مقدار هنگفت مصرع های زیبا و تک بیت های ناب یافت می شود. احتمال اینکه آموزگاران و دبیران و استادان ادبیات فارسی بر سر ذوق آمده و به سراغ انبوه دیوان های شعرای کلاسیک رفته و مصرع ها و تک بیت های آنها توجین کرده، برجسته سازی نموده و قاب گیرند کم نیست. آیا حافظ کیارستمی نمی تواند وصل کننده آن انبوه آثار سرایندگان کلاسیک از یکسو و این لشکر عظیم از نیروی کار متخصص در ادب و زبان فارسی باشد؟

خوشا به احوال کسانی که به چنین کار سودمند و مؤثری دست بزنند. چه حظ و لذت ناگفتنی که از نفس کار خواهند برد. چه خوشنامی و پاداش مادی و معنوی که در انتظار آنان است. چه نیکی بختند اینان که ایرانی زائیده شدند و فارسی زبان مادری ایشان است.

\*\*\*  
سال ۱۳۸۰ علوم انسانی

باید با سرافرازی پذیرفت کیارستمی مصداق بارز لقب و اصطلاح فارسی «صاحب نظر» است. آنها هم به معنای واقعی آن. باید خوشحال بود که دست کم در یک مورد خواسته حافظ برآورده شده و آنچه را که جستجو می کرده یافته است. آنجا که می گوید:

گوهری دارم

صاحب نظری

می جویم